

## ادامه از صفحه ۱۰

## چرخ لنگ توسعه و سیاست‌های اجتماعی در حوزه جوانان

استراتژی‌ها موجب این معضل همیشگی شده است.

مسلم‌ها در حوزه اجتماعی که مستقیماً به افراد و عملکرد آنها در جامعه بازمی‌گردد، به‌خصوص در بخش‌های اجتماعی باید توجه به منابع انسانی و استفاده درست از منابع مادی و معنوی با توجه به تعیین راهبردها و با برنام‌ها از سوی متولیان حوزه سیاست‌گذاری تسبیب است. برنام‌ها ضرورت بیشتری می‌یابد. این نکته باید مورد توجه همه دست‌اندرکاران در تمامی حوزه‌ها قرار گیرد که توجه به جایگاه افراد و ارزش‌های اجتماعی لازمه تحقق توسعه اجتماعی است و برای رسیدن به آن باید از تمامی افراد در بخش‌های اجتماعی جهت رسیدن به سیاست‌های تعیین شده به‌خصوص در بخش اجتماعی به خوبی بهره‌برد. کشور ما با جمعیت بیش از ۷۵ میلیون نفر در خود پتانسیل قوی جهت رشد و دستیابی به توسعه را با وجود ۲۵ میلیون نفر نیروی جوان داراست، اما متأسفانه تاکنون به خوبی از این ظرفیت‌ها استفاده نشده است.

هر کشوری که می‌خواهد به توسعه دست یابد به خوبی می‌داند که با وجود نیروی جوان که بر از انرژی‌های سازندگی و توسعه است می‌تواند موتور محرک برای دستیابی به برنامه‌های خود را بسپار و تسهیل‌الوصول به حرکت درآورد. این در حالی است که جوانان ما از سوی نهادهای

متولی همواره نادیده‌انگاشته می‌شوند. بزرگترین ضعف رسیدن به توسعه همه‌جانبه، بی‌توجهی به جوانان است.

کشورهای پیشرفته با وجود رسیدن به جایگاه بالای توسعه و دستیابی به تمامی جنبه‌های رشد و ترقی، همواره به دنبال دستیابی به نیروهای جوانی هستند که در کشورهای

در حال توسعه و جهان سوم حضور دارند. آنها به خوبی می‌دانند امتداد و استمرار این پیشرفت‌ها و گرو بهره‌گیری از نیروی جوان و خلاق است فراهم ساختن بهترین شرایط زندگی اجتماعی و اقتصادی از نیروهای توانمند کشورهای کم‌توسعه و جهان سوم برای

خود بهترین بهره‌بردارانی را کرده و سعی می‌کند جذب آنها منابع انسانی خود را همیشه در حالی بالایی توانمندسازی نگه دارند. اما خود کشورهای کمتر توسعه‌یافته و به‌خصوص جهان سوم، با وجود داشتن این نیروی مهم و تأثیرگذار، آن را نادیده گرفته و تنها به سمت برنامه‌های کوتاه‌مدتی حرکت می‌کنند که در درازمدت هیچ پیشرفت و رشدی را به دنبال ندارد.

نیروی جوانی که نتواند در فضای اجتماعی به خدمت و تعهد صادقانه بپردازد، چگونه می‌توان از نیروی آن برای توسعه و پیشرفت استفاده کرد و به آیدن آن کشور امید داشت؟

در کشور ما شورای عالی جوانان بالاترین مرجع رسیدگی به خواست‌های جوانان بعد از تشکیل دولت جدید، تاکنون یک جلسه هم‌گام برای بررسی وضع جوانان در شرایط فعلی و با وجود مشکلات فراوانی که آنها دارند، برگزار نکرده‌است.

زمان آن رسیده است تا برای حضور موثرتر جوانان که اکنون بلا تکلیف هستند، گام‌های اساسی از سوی دولت‌مداران برداشته شود؛ زیرا جوانان در آینده به سوی احزاب پست‌های مهم مملکتی گام خواهند برداشت. خوب است از هم‌گامی برای تأمین شرایط مناسب اقتصادی و همچنین تعریف درست موقعیت‌های اجتماعی چاره‌اندیشی کنیم.

در کشورهای در حال توسعه، برای رسیدن به استراتژی‌های تدوین شده، جهت دستیابی به رشد و توسعه متناسب با شرایط و امکانات به‌خصوص در بخش‌های اجتماعی باید حرکت و عملکرد جمعی برای رسیدن به برنامه‌ها از سوی متولیان حوزه سیاست‌گذاری تسبیب شود. متأسفانه در کشور ما هیچ‌گاه حرکت جمعی مهمی پس از انقلاب، برای رسیدن به اهداف توسعه‌ای کشور در جهت تحقق به‌موقع و درست برنامه‌ها در تمامی حوزه‌ها مشاهده نشده است. ما به‌عنوان افرادی هستیم که می‌خواهیم تنها خود به مقصد برسیم.

هر عباتی، روح جمعی که می‌تواند حرکت ما را برای رسیدن به توسعه هموار سازد در جامعه ما وجود ندارد. ما همواره نیروی ما را بدون رأی حصول به بهترین نتایج نادیده گرفته‌ایم. در شرایطی که برنامه‌های اجتماعی نه خوب نوشته شده است و نه به خوبی به اجرا درمی‌آید، نمی‌توان انتظار تحقق برنامه‌ها در بخش‌های اجتماعی به‌خصوص تأمین حقوق شهروندی و تسهیل شرایط برای حضور موثر افراد را در جامعه در کوتاه‌مدت مشاهده کرد.

اکنون باید به خودباوری و همدلی و همکاری با یکدیگر برای هم‌ساختن برنامه‌ها بپردازیم.

روح جمعی باید در تک‌تک ما تقویت شود و نباید تنها به منافع فردی و جناحی

خود توجه کنیم. کشور متعلق به همگان است و زیرساخت‌های توسعه‌ای کشور به سازماندهی و حرکت جمعی نیاز دارد.

بزرگترین شعار حقوق‌بشر و حقوق شهروندی، حفظ کرامت و احترام گذاشتن به انسان‌ها و حقوق حقایق آنهاست و کشور ما با سلبه

طولانی که نسبت به اجرای این مهم در طول تاریخ داشته و با تأکید دین اسلام به تأمین و اجرای ارزش‌های انسانی و کمال تمامی افراد لازم است تا در تمامی حوزه‌های اصل

این امر با توجه به عدالت اجتماعی و حمایت از اندیشه‌ها در تعیین درست برنامه‌ها از سوی دولت‌مداران پذیرد.

در کشورهایی که به سمت توسعه در حال حرکت هستند، منابع انسانی به‌عنوان مهم‌ترین پتانسیل آنها برای رسیدن به برنامه‌های تعریف شده مورد توجه قرار می‌گیرد زیرا آنها مدیران آینده برای ساختن کشور بوده و جهت اجرای برنامه‌های مدون شده، تربیت می‌شوند و نقش جوانان به‌عنوان نیروی بالقوه این حرکت، از سوی سیاست‌گذاران به خوبی در برنامه‌ها دیده می‌شود. اما نهادهای سیاست‌گذار، معمولاً به تدوین و قانونمند ساختن برنامه‌ها با توجه به منابع مادی و معنوی در کشور اقدام می‌کنند و پس از تسخیرن قوانین به سامور نهادهای، سعی می‌کنند تا سایر دستگاه‌های اجراکننده، به‌عنوان مجریان این استراتژی‌ها برای عملیاتی ساختن آنها، به تعامل سازنده دست یابند.

معمولاً برای اجرای دقیق همه‌جانبه برنامه‌ها جهت حصول به اهداف و رسیدن به‌موقع به برنامه‌های توسعه‌ای، همواره از سوی قانونگذاران و قوه قضا نظارت و پیگیری و پاسخگویی به مردم صورت می‌گیرد تا با هر نوع سوءاستفاده و کجروی از برنامه‌ها مقابله شود. ما همواره با این مسأله برخورد کرده‌ایم که سازمان‌ها معمولاً به‌عنوان تعیین شده در زمان مقرر عقب می‌افتند و در بسیاری موارد تغییر دولت‌ها و تغییر

همه‌جانبه خود بر تغییر همه‌جانبه ساختار قدرت بکاهد و به جایی آن در پی تغییر و اصلاح سیاست‌گذاری هادر عرصه‌های گوناگونی که به‌طور مستقیم زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد متمرکز شوند می‌توانند نقش مهمی در پویایی سیاست‌گذاری اجتماعی برعهده گیرند. جامعه مدنی ایران چنانچه در اولویت‌های خود تغییراتی ایجاد کند و به‌طور مشخص قدری از تمرکز و یکجانبه‌نگری

صرف در تغییر ساختار قدرت بکاهد و در مقابل به توسعه و پویایی در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی بپردازد، هم موفق خواهد شد افکار عمومی را به سمت مطالبات مشخص سوق دهد و هم مناسبات خود با نهادهای قدرت را قدری تلطیف کند و آنها را به سمت روندهای سازنده‌تر و چگونگی مدیریت درست جامعه هدایت کند. در یک چنین روندی امکان مداخله و تأثیرگذاری مردم بسیار بیشتری شود زیرا عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی مورد توجه‌های متعددی را در برمی‌گیرد که به زندگی روزمره مردم ربط مستقیم پیدا می‌کنند و هم به همین دلیل نتیجه بلندمدت این نوع مناسبات‌ها و تأثیرات اجتماعی در جامعه خواهد شد.

**بسه عقیده شما برای بهبود روش تعیین سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز روش اجرای آنان در کشورهایی نظیر ایران چه راهکارهایی را می‌توان به کار بست؟**

سیاست‌گذاری اجتماعی پیش از آن که امری تخصصی و کارشناسی باشد روند تحقق حقوق شهروندی در یک جامعه است. بر همین مبنا، جهت‌گیری سیاست‌ها در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی را نمایندگانی خود همین گروه‌ها تعیین می‌کنند. بنابراین، گام نخست یافتن مکانیسم‌ها و امکاناتی است که مداخله گروه‌های شهروندی در این روند تضمین شوند. گام دوم آن است که افراد، سازمان‌ها و محافل اجتماعی در حوزه‌هایی از سیاست‌گذاری اجتماعی که به فعالیت‌های حوزه‌های مورد علاقه آنها مربوط می‌شود یا منافع اعضا و پایگاه اجتماعی آنها در آن دخیل است متمرکز شوند و تلاش کنند تا در آن حوزه از سویی با جامعه و پایگاه اجتماعی خود از سویی دیگر با دولت و نهادهای رسمی وارد تعامل و تبادل نظر فعال شوند. به‌عنوان مثال، موضوع مهمی که بسیاری از جوانان ایران درگیر آن هستند دشواری در به‌دست آوردن شغل و در آمد مناسب برای تأمین معاش است. این موضوع موجب تعریف شده و نهادهای تصمیم‌گیر اجتماعی در بزرگی برای جامعه ایران تبدیل شده باشد. گلبه اقدامات و سیاست‌هایی که می‌تواند در این زمینه موثر باشد و نیز کلیه اقداماتی که می‌تواند در حمایت از بیکاری صورت گیرد اعم از اعطای کمک هزینه بیکاری یا تلاش‌هایی که راه‌روید آنها به بازار کار را هموار کند، دغدغه اصلی بخش بزرگی از جوانان جامعه را تشکیل می‌دهد. تلاش در جهت نشان دادن راه‌های عملی به سیاست‌گذاران در ایجاد شرایط مناسب برای افزایش اشتغال، چه از طریق کمک‌های دولت یا بخش خصوصی، چه از طریق ایجاد واحدهای کارآموزی برای همه روزگرن دانش و توانمندی‌های متقاضیان بازار کار برای تأمین نیازهای روز بازار می‌تواند از پویاترین فعالیت‌هایی باشد که سازمان‌های

اجتماعی را تهیه و تدوین می‌کنند و چون این احزاب کارشناسان و برنامه‌ریزان زیادی را اختیار دارند که کار تهیه برنامه‌ها و سیاست‌های مورد نظر حزب متبوع خود را برعهده دارند و چون در انتخابات این احزاب با پشتوانه

گرفته‌است این سه توافق کرده‌اند که با رعایت همبستگی در تعیین سطح دستمزدها، مانع از افزایش اختلاف در سطح دستمزدها شوند. هر چند طی ۲۰۱۲ دهه اخیر از میزان آن به‌دلیل توافق‌ها کاسته شده است اما به دلیل تسلط طولانی مدت این فرهنگ در مناسبات بازار کار، اختلاف میان دستمزدها درآمدهای گروه‌های مختلف حقوق‌گیر، اعم از کارگران صنعتی، کارگران خدماتی، کارمندان دوایر مختلف دولتی و بخش خصوصی، معنیدار، پزشکان، و کلا معلمان و سایر گروه‌های حقوق‌گیر همچنان محدود است. به بیان دیگر، سطح دستمزدها کارگران تفاوت چشمگیری

دارند. در حالی که پزشکان و گروه‌های دیگر درآمدهای بسیار بالاتری دارند. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی

در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دوم گسترش یافتند که علت آن مقابله با ناامنی‌هایی بود که در جوامع سرمایه‌داری نیروی کار را در دوره‌های رکود اقتصادی تهدید می‌کرد. حتی در کشورهای مانند آمریکا نیز بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ طبقه متوسط آمریکا را که به ثبات و امنیت اقتصادی خود اطمینان داشت به آن وا داشت تا با ایجاد صندوق‌های بیمه اجتماعی خود را در برابر پیامدهای ناشی از نوساناتی که در روند اقتصادی به‌وجود می‌آمد، مصون سازد.

**در ایران سیاست‌گذاری اجتماعی و نیز اعمال آن توسط چند نهاد عمده حاکمیتی انجام می‌پذیرد. اگر بخواهیم کاستی‌های این روش را در مقایسه با شماری از کشورهای توسعه‌یافته دنیا بررسی کنیم، به چه مواردی می‌توان اشاره کرد؟**

سیاست‌گذاری اجتماعی به انسجام، تداوم و بهم پیوستگی نیاز دارد. آن‌جا که نهادهای عوامل گوناگون در کار سیاست‌گذاری وارد می‌شوند امکان تبدیل سیاست‌گذاری به ابزار اعمال اقتدار با رقابت بر سر استفاده از امکانات میان نهادهای رقیب‌شدن می‌گیرد. من در مورد ایران تحقیقات میدانی در این زمینه انجام ندادم و نمی‌توانم نظر قاطعی ارائه کنم. اما اگر به برخی سیاست‌گذاری‌هایی که مثلاً در دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد دقیق شویم مشاهده می‌کنیم که دو جنبه پوپولیستی برای جلب آراء عمومی یا کلیتالیستی برای جلب وفاداری نتانگ‌تر برخی گروه‌های خاص جامعه در سیاست‌گذاری‌های آن دوره ۸ ساله بر جسته بود. آنچه در این فرآیند قربانی می‌شود عدالت و زیرپاگذاشتن حقوق برابر شهروندی است. یعنی وقتی برخی گروه‌های اجتماعی فراتر از سایرین از امکانات عمومی برخوردار می‌شوند مشروعیت نهادهای حکومتی خدشه‌دار می‌شود که پیامد این روند دلسردی نسبت به نظام اجتماعی، حکومتی و بی‌علاقگی نسبت به مشارکت در توسعه و پیشرفت جامعه است. علاوه بر این، حتی اگر جنبه تبعیضی آگاهانه در اختصاص امکانات به گروه‌های اجتماعی را که در این دوره شدت یافت هم در نظر بگیریم، برانگیزی در مدیریت و برنامه‌ریزی اجتماعی میان نهادهای موازی موجب اتلاف امکانات و بریز و پلش‌هایی می‌شود که نتیجه‌اش تأثیر منفی بر رشد و پیشرفت اقتصادی جامعه خواهد بود. در ایران بزرگترین مشکل سیاست‌گذاری اجتماعی در آن است که گروه‌های اجتماعی و جامعه مدنی تأثیر تعریف‌شده و نهادهای تصمیم‌گیر اجتماعی ندارند.

**به عقیده شما کدام گروه‌های مرجع اجتماعی گروه‌های قابل اعتماد در بررسی و ارائه بازی صلاحیت سیاست‌های اجتماعی تعیین شده از جانب سیاست‌گذاران هستند؟**

اساس کار در سیاست‌گذاری اجتماعی توزیع امکانات عمومی در جامعه از طریق برنامه‌های رفاهی است و از آنجایی که توزیع ثروت اقدامی سیاسی، بنابراین نهادهای منتخب مردم موجه‌ترین و مشروع‌ترین مراجع هستند که سیاست‌های اجتماعی را تعیین تأیید می‌کنند در مورد کرسی‌های پارلمانی احزاب سیاسی اصلی‌ترین نهادهایی هستند که برنامه‌های سیاسی طیف‌های مختلف

اجتماعی را تهیه و تدوین می‌کنند و چون این احزاب کارشناسان و برنامه‌ریزان زیادی را اختیار دارند که کار تهیه برنامه‌ها و سیاست‌های مورد نظر حزب متبوع خود را برعهده دارند و چون در انتخابات این احزاب با پشتوانه

گرفته‌است این سه توافق کرده‌اند که با رعایت همبستگی در تعیین سطح دستمزدها، مانع از افزایش اختلاف در سطح دستمزدها شوند. هر چند طی ۲۰۱۲ دهه اخیر از میزان آن به‌دلیل توافق‌ها کاسته شده است اما به دلیل تسلط طولانی مدت این فرهنگ در مناسبات بازار کار، اختلاف میان دستمزدها درآمدهای گروه‌های مختلف حقوق‌گیر، اعم از کارگران صنعتی، کارگران خدماتی، کارمندان دوایر مختلف دولتی و بخش خصوصی، معنیدار، پزشکان، و کلا معلمان و سایر گروه‌های حقوق‌گیر همچنان محدود است. به بیان دیگر، سطح دستمزدها کارگران تفاوت چشمگیری

دارند. در حالی که پزشکان و گروه‌های دیگر درآمدهای بسیار بالاتری دارند. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.

دانشگاه دیده نداشته باشد. این امر همچنین باعث شده است که فقر مطلق در این جوامع ریشه‌کن شود و اختلاف درآمد دهک‌های پایینی و بالایی کمتر از سایر کشورها باشد. در کشورهای نوردیک نسبت در آمد دهک بالایی در آمدی با دهک پایینی تقریباً ۵ برابر است. این در حالی است که در سوئیس این میزان ۱۱ برابر است. برای مقایسه بد نیست که عنوان شود که در ایران این میزان ۱۵ برابر است که نسبت به وضع در کشورهای همسایه، ترکیه و پاکستان، که به ترتیب ۷ و ۷ برابر است اختلاف سطح دهک پایینی و بالایی در ایران نسبتاً شدیدی است.



کم و بیش خصلت پوپولیستی یا کلیتالیستی به خود گرفتار است.

**در همین نظامات چرا نقش مردم در پیشبرد سیاست‌گذاری اجتماعی کمتر می‌شود؟**

کم‌رنگ بودن نقش مردم در سیاست‌گذاری اجتماعی دقیقاً به ضعیف بودن ساختار دموکراتیک حکومت بازمی‌گردد.

**اگر ممکن است برای مثال اندکی از مدل سوسیال دموکراتیک سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاری اجتماعی بگوئید...**

قبل از این که به سیاست اجتماعی در نظام‌های سوسیال دموکراتیک بپردازم لازم است توضیح کوتاهی در مورد دو الگوی مهم دیگر، الگوی لیبرالی و محافظه‌کار، بدهم تا در تفاوت بین این سه الگوی سوسیال دموکراتیک بهتر شناخته‌شود.

در سیاست‌گذاری در رژیم‌های لیبرالی رفاه‌مانند آمریکا، انگلیس و استرالیا، دولت نقش چندانی در توزیع ثروت ندارد و سیاست‌های رفاهی در این نظام‌ها کمک چندانی به کاهش اختلاف طبقاتی نمی‌کنند. این رژیم‌ها معمولاً امکانات و خدمات محدودی را به‌عنوان جز شهروندی پذیرفته و ارایی می‌دهند که آن هم عمدتاً برای گروه‌هایی که در فقر مطلق بسر می‌برند در نظر گرفته شده‌اند. در چه

ساخت‌و‌تندی دولت‌های لیبرالی رفاه بسیار پایین است و در نتیجه در این کشورها بخش وسیعی از بیمه‌های اجتماعی کاملاً خصوصی اداره می‌شوند. در حوزه‌هایی مانند بهداشت و درمان، مراقبت‌های اجتماعی از کودکان، سالمندان و کسانی که از ناتوانایی‌های جسمانی برخوردارند و نیز آموزش و پرورش، مسکن و موارد دیگر هر شهروند بسته به استطاعت و توان مالی می‌تواند خود را بیمه کند و از خدمات گوناگون برخوردار شود. نتیجه آن شده است که هزینه‌های سنگین برای بیمه‌های جامعه گوناگون با پرداخت

شهره‌های سنگین مدارس ملی یا به استخدام درآوردن پرستار خصوصی برای امور مراقبتی از افراد خانواده خود در برخوردار هستند. حال آن که طبقات ضعیف‌تر جامعه از این امکان محروم هستند و در اصلاح تحمیل‌کرده

بنابراین در جوامعی که دولت‌های رفاه لیبرال در آنها برقرار است دور تسلط فقر همچنان تداوم می‌یابد. زیرا دارا بودن و نداشتن معیار رفاه هر شهروند محسوب می‌شود و کمک‌های دولتی به تنگدستان جامعه جنبه صدقه دارد و بیشتر در حده اصطلاح بخور و نمیر است.

گروه دوم رژیم‌های موسوم به محافظه‌کار با دموکرات مسیحی را در برمی‌گیرد که از جمله در برگیرنده دولت‌های رفاه در آلمان، فرانسه، بلژیک، هلند و در جات ضعیف‌تری ایتالیا و اسپانیا است. در این رژیم‌ها، برخلاف نوع قبلی، دولت‌ها در سیاست‌گذاری اجتماعی نقش فعالی در ارائه

خدمات اجتماعی و کمک‌هزینه‌های گوناگون برعهده دارند. در این نظام‌ها همچنین حداقل‌هایی برای کلیه شهروندان در نظر گرفته شده است که موجب می‌شود با برخورداری از مزایای گوناگون همه آحاد جامعه از سطح زندگی شرافتمندانه‌ای برخوردار شوند. اما نکته مهم درباره رژیم‌های دموکرات مسیحی این است که تنها هزینه‌های برنامه‌ای برای کاهش اختلاف طبقاتی در جامعه ندارند. این رژیم‌ها با مربوط کردن سطح مزایای اجتماعی به سطح درآمد‌ها به طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی موجب شده‌اند که اختلاف طبقاتی در این جوامع پایدار بماند. به بیان دیگر، بیمه‌ها و مزایای اجتماعی در این سیستم‌ها غالباً به شغل و جایگاه هر فرد در بازار کار مربوط می‌شود و با میزان درآمد هر فرد رابطه‌ای کاملاً مستقیم دارد. در این نظام‌ها، خانواده و کلیسا همچنین نقش مهمی در ارائه برخی خدمات اجتماعی برعهده دارند.

سومین الگوی سیاست‌گذاری اجتماعی در کشورهای پیشرفته صنعتی را دولت‌های رفاه سوسیال دموکراتیک نمایندگی می‌کنند که عمدتاً در برگیرنده کشورهای نوردیک (سوئد، نروژ، دانمارک و فنلاند) هستند. در این رژیم‌ها، غالب بیمه‌ها و مزایای اجتماعی و کلیه امکانات بهداشتی، درمانی، مراقبتی، آموزشی و... حق شهروندی محسوب می‌شوند و هر شهروند مستقل از این که به کدام طبقه و گروه اجتماعی تعلق داشته باشد و چه میزان درآمد داشته باشد و اصولاً در بازار کار شاغلی باشد یا خیر،

در استفاده از این مزایا با سایرین برابر است. بنابراین، بر جست‌ترین ویژگی دولت‌های رفاه اسکندیناوی این است که دولت بارها به خدمات و امکانات یکسان به همه

